

ساخت اضافه در سطح رابط نحو و صورت آوایی*

یادگار کریمی^۱

چکیده

در این مقاله، فرایند تبدیل آوایی تکواژ اضافه را از *i*- به *a*- در بافت تکواژ معرفه‌نما در ساخت اضافه زبان کردی^۲ تحلیل می‌کنیم. با جمع‌آوری شواهد از حوزه‌های تجربی متفاوتی همچون دامنه معرفگی تکواژ معرفه-نما، تأثیر معرفگی ضمیرهای اشاره و عملکرد کمیت‌نمای بافت وابسته در ساخت اضافه، استدلال خواهیم کرد که بافت محرک تبدیل آوایی تکواژ اضافه، برحسب چینش خطی تکواژها در صورت آوایی، تعریف‌شدنی نیست؛ بلکه روابط نحوی میان تکواژهای دخیل در این فرایند آوایی، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در این پژوهش، به‌طور مشخص نشان می‌دهیم که محرک تبدیل آوایی تکواژ اضافه، بافتی ساختاری است که در آن، تکواژ اضافه تحت تسلط‌سازهای تکواژ معرفه‌نما قرار دارد. نتیجه مهم این تحلیل،

* نگارنده بر خود واجب می‌داند از داوران محترم مجله زبان پژوهی به دلیل پیشنهادها، توضیحات و نقدهای سازنده و سودمندشان سپاس گزارد. بدیهی است پیامدهای ناشی از تعبیر نظرهای ایشان، متوجه نگارنده است.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۳/۱

۱. استادیار دانشگاه کردستان y.karimi@uok.ac.ir و y.karimi@hotmail.com

۲. گونه زبانی کردی که در این مقاله تحلیل شده، گویش سورانی است که مشخصاً در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی در ایران، و استان‌های سلیمانیه و اربیل در عراق به آن سخن گفته می‌شود.

وارد دانستن روابط سلسله‌مراتبی نحوی در صورت‌بندی قواعد آوایی، فارغ از توالی خطی تکواژهاست.

واژه‌های کلیدی: ساخت اضافه، معرفگی، تسلط سازه‌ای، صورت آوایی، کمیت‌نما، بافت وابسته.

۱. مقدمه

سطوح زبانی مطرح در برنامه کمینه‌گرا، صورت آوایی^۱ و صورت منطقی^۲ هستند. سطوح نحوی ژ-ساخت و ر-ساخت که در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی مطرح بودند، به دلیل سازگار نبودن با شروط خوانایی^{۳،۴}، در برنامه کمینه‌گرا وجود ندارند. براساس شروط خوانایی، تنها سطوح زبانی‌ای که باید به وجودشان قائل شویم، آن‌هایی هستند که در راستای پیوند آوا و معنی، در ارتباط مستقیم با قوای فرازبانی مفهومی-نیتی^۵ و فراگویی-ادراکی^۶ هستند (Chomsky, 2001: 1). در انگاره زبانی برنامه کمینه‌گرا، نحو به صورت نظامی محاسباتی مطرح است که وظیفه‌اش تولید عبارت‌های نحوی با استفاده از عناصر واژگانی و فرستادن آنها به دو صورت منطقی و آوایی است. در سطح صورت منطقی، ساخت نحوی به شکل ساخت منطقی آن ترجمه می‌شود تا از این طریق، برای قوای ادراکی ذهن قابل خوانش باشد (Chomsky, 1995). از همان ابتدای شکل‌گیری نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، زبان‌شناسان بر این اعتقاد بودند که نمودهای زبانی درون‌داد سطح صورت منطقی، همان ساخت‌های سلسله‌مراتبی نحوی (نمودارهای درختی و روابط نحوی مترتب بر آنها) هستند که به نمودهای منطقی ترجمه و تعبیر می‌شوند. دخیل بودن اصل مقوله تھی^۷،

1. Phonetic Form (PF)

2. Logical Form (LF)

3. Legibility Conditions

۴. چامسکی (۱۹۹۵: ۲۲۱) از شروط خوانایی، با عنوان شروط برون‌داد بنیادی (Bare output conditions) یاد می‌کند.

5. Conceptual-Intentional

6. Articulatory-Perceptual

7. Empty Category Principle (ECP)

حرکت پرسش واژه‌ها و سورها در سطح صورت منطقی، از جمله استدلال‌های نحویان در قائل شدن به ساخت نحوی در صورت منطقی بود (Huang, 1982؛ Hornstein, 1995).

سطح دومی که در برنامه کمینه‌گرا برای به‌دست دادن نمود آوایی عبارت‌های زبانی مطرح است، صورت آوایی می‌باشد. مسئله اساسی‌ای که هنوز در نظریه‌پردازی زایشی، کانون مجادله‌های گسترده‌ای است، بودن و یا نبودن ساخت نحوی (یا شکلی از آن) در صورت آوایی است. پاسخ‌گویی به این سؤال می‌تواند در یافتن جوابی برای مسئله چگونگی خطی‌سازی^۱ ساخت نحوی، راه‌گشا باشد.

قضیه تناظر خطی^۲ کین، اولین تلاش جدی در راستای وارد دانستن تمایزهای ساختاری نحو در بخش صورت آوایی زبان است. کین (Kayne, 1994) با مطرح کردن قضیه تناظر خطی، استدلال می‌کند که رابطه تسلط سازه‌ای نامتقارن^۳ بین سازه‌های نحوی، با چگونگی توالی خطی این سازه‌ها در صورت آوایی متناظر است؛ به عبارت واضح‌تر، براساس قضیه تناظر خطی، اگر در یک ساخت نحوی، X بر Y تسلط سازه‌ای نامتقارن داشته باشد، در چینش (خطی) آوایی X بر Y مقدم خواهد بود. اثر کین (Kayne, 1994) اگرچه مجادله‌های نظری و تجربی بسیاری به دنبال داشت، به‌طور کلی، آغازگر مسیر پژوهشی بارور و نویدبخشی در حوزه سطح رابط^۴ نحو و صورت آوایی شد (برای مطالعه بیشتر، رجوع شود به Kayne, 1994 و Moro, 2000).

مقاله حاضر نیز تلاشی در راستای نشان دادن و استدلال درباره وجود ساخت نحوی در بخش آوایی زبان است. تعامل تکواژ اضافه و تکواژ معرفه‌نما در گروه‌های اسمی زبان کردی، بافتی را تشکیل می‌دهد که با تحلیل درست آن، می‌توان به شناخت بهتری از ارتباط نحو و صورت آوایی دست یافت. در این اثر، به‌طور مشخص، تبدیل آوایی تکواژ اضافه را در گروه‌های اسمی زبان کردی بررسی می‌کنیم. برای درک بهتر موضوع، به مثال‌های زیر توجه کنید:

1. linearization
2. Linear Correspondence Axiom (LCA)
3. Asymmetric C-Command
4. Interface

1. a. kîteb-i sur

قرمز اضافه-کتاب

کتاب قرمز'

b. kîteb-a sur -aka

معرفه قرمز اضافه-کتاب

کتاب قرمز(معرفه)'

در (1.a)، گروه اسمی دارای هسته اسمی و یک وابسته صفتی است. در زبان کردی، ارتباط بین هسته و وابسته وصفی همانند زبان فارسی، توسط تکواژ اضافه *i*- برقرار می‌شود. این گروه اسمی به لحاظ معرفگی^۱ بی‌نشان است. در (1.b)، در بافتی که تکواژ معرفه‌نمای *-aka* به گروه اسمی اضافه شود، تکواژ اضافه دست‌خوش تغییر آوایی می‌شود. در این مقاله، استدلال خواهیم کرد که بافت محرک این تبدیل آوایی را نمی‌توان برحسب چینش خطی عناصر دخیل در ساخت اضافه تعریف کرد؛ بلکه باید با توسل به روابط سلسله‌مراتبی (نحوی) بین تکواژهای اضافه و معرفه‌نما آن را فرمول‌بندی کرد. به‌طور مشخص تصریح خواهیم کرد که تبدیل آوایی تکواژ اضافه، در بافتی واقع می‌شود که تکواژ اضافه، تحت تسلط سازه‌ای تکواژ معرفه‌نما باشد. توالی خطی این دو تکواژ هیچ تأثیری در این دگرگونی آوایی ندارد.

ساختار پژوهش حاضر، بدین صورت است: در بخش دوم، ساخت اضافه را در زبان کردی توصیف می‌کنیم و تا آنجا که تحلیل ما از تعامل عنصر اضافه و تکواژ معرفه‌نما می‌طلبد، ویژگی‌های توزیعی تکواژ اضافه را نشان می‌دهیم. در بخش سوم، که پیکره اصلی تحلیل را شکل می‌دهد، تعامل عنصر اضافه و تکواژ معرفه‌نما را بررسی می‌کنیم. استدلال‌های ما برای دست‌یابی به تحلیلی جامع و مانع از دگرگونی آوایی تکواژ اضافه، زیربخش‌های این قسمت را تشکیل می‌دهد. بخش چهارم که بخش پایانی این مقاله است، به نتیجه‌گیری از تحلیل انجام‌شده در این مقاله اختصاص دارد.

۲. ساخت اضافه در زبان کردی

در ادبیات توصیفی / نظری مربوط به گروه اسمی در زبان‌های ایرانی، ساخت‌هایی که در آنها تکواژ اضافه، هسته اسمی و وابسته‌های آن را به هم پیوند می‌دهد، ساخت اضافه نامیده می‌شود (Karimi, Holmberg and Odden, 2005; Ghomeshi, 1997; Samiian, 1994)؛ بنابراین، به لحاظ توصیفی این اصطلاح نباید با اصطلاح سنتی ساخت اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) خلط شود. همان‌گونه که از این نام‌گذاری پیداست، در زبان‌های ایرانی، عنصر تعیین‌کننده ساخت اضافه، تکواژ اضافه است؛ به همین سبب، به دست دادن تحلیلی کافی و رسا از ویژگی‌های کلی ساخت اضافه، نیازمند بررسی ویژگی‌های توزیعی تکواژ اضافه در این زبان‌هاست.^۲

۲.۱. ویژگی‌های توزیعی تکواژ اضافه

در زبان کردی، تکواژ اضافه دارای ویژگی‌های توزیعی زیر است:

- بین اسم و صفت (ساخت وصفی)

2.a. kîrās-i jûwān

قشنگ اضافه-پیراهن

‘پیراهن قشنگ’

b. āsmān-i šin

آبی اضافه-آسمان

‘آسمان آبی’

- بین اسم و اسم (ساخت اضافی)

3.a. mez-i dār

چوب اضافه-میز

1. Ezafe Construction

۲. گفتنی است که در مسیر شکل‌گیری نظام نحوی - ساخت‌وازی زبان‌های ایرانی، تکواژ اضافه نیز دستخوش تغییرهای نحوی - ساخت‌وازی شده است. کریمی (۲۰۰۷) برخی تفاوت‌های ماهوی تکواژ اضافه را در زبان‌های فارسی و کردی ذکر می‌کند.

‘میز چوبی’

b. dîrgā-i bāx

باغ اضافه-در

‘در باغ’

-بین اسم مالک و مملوک (ساخت ملکی)

4.a. qalam-i mîn

من اضافه-مداد

‘مداد من’

b. māl-i Hiwā

هیوا اضافه-خانه

‘گخانه هیوا’

-بین وابسته‌های یک اسم

5.a. māl-i gawra-i juwān-i kāxazi

کاغذی اضافه-قشنگ اضافه-بزرگ اضافه-خانه

‘خانه بزرگ قشنگ کاغذی’

b. zîmānsînās-i xawālu-i gež

گیج اضافه-خواب‌آلود اضافه-زبان‌شناس

‘زبان‌شناس خواب‌آلود گیج’

-بین اسم و بند موصولی

6.a. kur-aka-i ka nāče bo madrasa

مدرسه به نمی‌رود که اضافه-معرفه-پسر

‘پسری که به مدرسه نمی‌رود.’

b. kîteb-aka-i ka čāmîski nusiwyati

نوشته‌است آنرا چامسکی که اضافه-معرفه-کتاب

‘کتابی که چامسکی آنرا نوشته است.’

همان‌طور که در این مثال‌ها دیده می‌شود، در حالت کلی، تکواژ اضافه به اسم و وابسته‌های اسمی و صفتی آن اضافه می‌شود؛ بنابراین، در مواردی که هسته اسمی بیش از یک وابسته صفتی یا اسمی داشته باشد، تکواژ اضافه به صورت بازگشتی^۱ به هریک از وابسته‌ها می‌پیوندد:

7.a. [māl]-i gawra

بزرگ اضافه-خانه

b. [māl-i gawra]-i juwān

قشنگ اضافه-بزرگ اضافه-خانه

c. [māl-i gawra-i juwān]-i kākāzi

کاغذی اضافه-قشنگ اضافه-بزرگ اضافه-خانه

۲.۲. معرفی در ساخت اضافه

در زبان کردی، تکواژ معرفه‌نما پی بست *-aka* است. به لحاظ میزبان‌گزینی، این پی بست به هسته اسمی اضافه می‌شود.

8.a. kîteb-aka

معرفه-کتاب

b. mîndâl-aka

معرفه-بچه

در صورتی که هسته اسمی دارای وابسته(های) صفتی باشد (ساخت وصفی داشته باشیم)، تکواژ معرفه‌نما به کل ساخت اضافه می‌پیوندد؛ اما نکته مهم این است که در این حالت، تبدیل آوایی تکواژ اضافه از *-i* به *-a* رخ می‌دهد:

9.a. kîteb-a sur-aka

معرفه-قرمز اضافه-کتاب

‘کتاب قرمز (معرفه)’

b. māl-a gawra-a juwān-a kākāzi-aka

معرفه - کاغذی اضافه - قشنگ اضافه - بزرگ اضافه - خانه

‘خانه بزرگ قشنگ کاغذی (معرفه)’

مثال (9.b) نشان می‌دهد که در بافت تکواژ معرفه‌نما، فرایند تبدیل آوایی اضافه همه رخدادهای تکواژ اضافه را هدف قرار می‌دهد؛ این در حالی است که در ساخت‌های اضافه‌ای، که در آنها وابسته‌ها به صورت اسمی هستند (ساخت اضافی)، شاهد تبدیل آوایی تکواژ اضافه در بافت تکواژ معرفه‌نما نیستیم:

10. a. dîrgā-i māl-aka

معرفه - خانه اضافه - در

‘در خانه (معرفه)’

b. diwār-i hawša-i madrasa-ka

معرفه - مدرسه اضافه - حیاط اضافه - دیوار

‘دیوار حیاط مدرسه (معرفه)’

همان‌طور که از مثال‌های (9.a-b) و (10.a-b) برمی‌آید، در ساخت وصفی و ساخت اضافی، تعامل تکواژ اضافه و تکواژ معرفه‌نما به یک صورت نیست؛ به عبارت دیگر، در ساخت وصفی، تکواژ اضافه در بافت تکواژ معرفه‌نما دست‌خوش تبدیل آوایی می‌شود؛ ولی در ساخت اضافی، این تبدیل آوایی به‌وقوع نمی‌پیوندد. در بخش سوم، ماهیت تعامل معرفگی و ساخت اضافه، و همچنین تفاوت در بازنمون^۱ تکواژ اضافه در ساخت وصفی و ساخت اضافی را بررسی می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳. نحو در صورت آوایی

یکی از فرایندهای آوایی / واجی رایج در زبان‌ها، تغییر آوایی در یک تکواژ به سبب قرار گرفتن در بافت تکواژی دیگر است. همگونی پس‌رو واکه‌ای^۱ و هماهنگی واکه‌ای^۲، نمونه‌های بارزی از این فرایندهاست. به سبب محصور بودن فراگویی آوایی زبان در بعد زمان، اساساً فرایندهای واجی در صورت آوایی بر روی توالی خطی تکواژها تعریف می‌شوند؛ مثلاً در صورت‌بندی فرایند همگونی پس‌رو واکه‌ای، توسل به توالی خطی هجاها و جهت اعمال تغییرهای آوایی، اجتناب‌ناپذیر است (مشکوٰة‌الدینی، ۱۳۷۴). کیفیت‌هایی نظیر پیشین، پسین، پیش‌رو و پس‌رو هنگامی مصداق می‌یابند که با توالی خطی زنجیرهٔ زبانی روبه‌رو هستیم؛ در غیر این صورت، هریک از این مفاهیم موضوعیت خود را ازدست می‌دهند؛ بنابراین، خطی‌سازی ساختارهای نحوی و به‌دنبال آن، اعمال فرایندهای واجی بر روی چینش خطی آنها، بخش اساسی و عمدهٔ صورت آوایی زبان را تشکیل می‌دهد. در این مقاله، می‌کوشیم این واقعیت تجربی را نشان دهیم که بخشی از فرایندهای واجی / آوایی، وابسته به بافت‌هایی هستند که تنها به وسیلهٔ روابط سلسله‌مراتبی نحو قابل تعریف‌اند؛ به بیان روشن‌تر، در این بخش، استدلال خواهیم کرد که تبدیل آوایی تکواژ اضافه در بافت تکواژ معرفه‌نما، صرفاً براساس قاعدهٔ زیر توجیه و تبیین می‌شود:

$$(۱) \quad [i\text{-اضافه}] \leftarrow [a\text{-اضافه}] / [+معرفه] <$$

در این فرمول، علامت < به معنی تسلط سازه‌ای است. براساس این قاعده، در بافتی که تکواژ اضافه تحت تسلط سازه‌ای تکواژی با مشخصه [+معرفه] باشد، تکواژ اضافه *i* به *a* تبدیل می‌شود. اگرچه جزئیات صورت‌بندی این قاعدهٔ واجی، مد نظر ما نیست، باید بگوییم در صورت آوایی زبان، اعمال بعضی فرایندهای واجی، مشروط به برقراری روابط سلسله‌مراتبی نحو از جمله تسلط‌سازه‌ای بین عناصر دخیل در آن فرایندهای واجی است.

نکتهٔ دیگری که در قاعدهٔ (۱)، اهمیت نظری و تجربی دارد، مشخصه [+معرفه] است. در این قاعده، تکواژ معرفه‌نمای *aka*، موجب تبدیل آوایی تکواژ اضافه نمی‌شود؛ بلکه هر تکواژ

1. Umlaut
2. Vowel Harmony

معرفه‌سازی که دارای مشخصه [+معرفه] باشد، با تسلط سازه‌ای بر تکواژ اضافه می‌تواند محرک تبدیل آوایی مورد نظر باشد. در سه زیربخش بعدی، استدلال‌های خود را در دفاع از نظریه قائل شدن به مفهوم ساخت سلسله‌مراتبی در صورت آوایی و وارد دانستن روابط ساختاری نحو در صورت‌بندی بعضی قاعده‌های واجی / آوایی، بیان خواهیم کرد.

۳. ۱. تفاوت‌های معنایی

استدلال نخست ما در نشان دادن ارتباط تسلط سازه‌ای در تعیین بافت محرک تبدیل آوایی تکواژ اضافه، مربوط به تفاوت‌های معنایی ناشی از دامنه^۱ معرفگی در ساخت اضافه است. بررسی دقیق‌تر ساخت‌های اضافه در زبان کردی نشان می‌دهد که در ساخت وصفی و ساخت اضافی، دامنه معرفگی تکواژ معرفه‌نما متفاوت است. در ساخت وصفی، تکواژ معرفه‌نما دامنه‌ای گسترده^۲ دارد؛ به بیان دیگر، دامنه معرفگی تکواژ معرفه‌نما کل گروه اسمی (هسته و وابسته‌های صفتی) را دربر می‌گیرد و دامنه گسترده سبب استنباط مفهوم معرفگی از کل گروه اسمی می‌شود؛ درحالی که در ساخت اضافی، دامنه تکواژ معرفه‌نما به وابسته اسمی محدود^۳ است؛ به دیگر سخن، دامنه معرفگی تکواژ معرفه‌نما شامل کل گروه اسمی نمی‌شود؛ بلکه مفهوم معرفگی تنها بر وابسته اسمی مترتب است. با در نظر گرفتن تفاوت‌های دامنه معرفگی تکواژ معرفه‌نما، مثال‌های (9.a-b) و (10.a-b) را می‌توان به صورت دقیق‌تر (12.a-b) و (13.a-b) نشان داد:

12.a. [kîteb-a sur]-aka

معرفه- قرمز اضافه- کتاب

‘کتاب قرمز (معرفه)’

b. [māl-a gawra-a jûwān-a kâxazi]-aka

معرفه- کاغذی اضافه- قشنگ اضافه- بزرگ اضافه- خانه

‘خانه بزرگ قشنگ کاغذی (معرفه)’

13.a. dîrgā-i [māl]-aka

1. Scope
2. Wide
3. Narrow

معرفه-خانه اضافه-در

‘در خانه (معرفه)’

b. diwār-i ḥawša-i [madrassa]-ka

معرفه-مدرسه اضافه-حیاط اضافه-دیوار

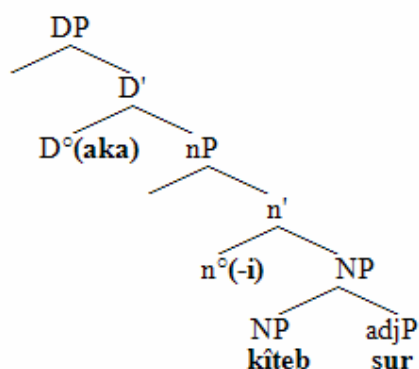
‘دیوار حیاط مدرسه (معرفه)’

در این مثال‌ها، قلاب‌ها دامنه معرفگی تکواژ معرفه‌نما را نشان می‌دهند؛ مثلاً در نمونه (12.b)، کل گروه اسمی ‘خانه بزرگ قشنگ کاغذی’ دارای خوانش معرفه است؛ در حالی که در (13.a)، تنها وابسته اسمی ‘خانه’ خوانش معرفه دارد و هسته اسمی در به‌خودی خود خصوصیات ارجاعی معرفه ندارد.

در نظریه معنائشناسی زایشی، دامنه یک سازه در صورت منطقی، براساس جایگاه آن سازه در ساخت نحوی خوانش می‌شود. به‌طور مشخص، دامنه گسترده X بر Y در صورت منطقی، با تسلط سازه‌ای X بر Y در نحو همبستگی دارد (Reinhart, 1979؛ May, 1985). با در نظر گرفتن تفاوت دامنه معرفگی در ساخت وصفی و ساخت اضافی، و همچنین با بهره جستن از بحث‌های کریمی (Karimi, 2007) درباره ساخت اضافه در زبان کردی، اشتقاق نحوی در ساخت وصفی معرفه (12.a) را بدین صورت رسم می‌کنیم^۱:

۱. در نمودار (۱)، تکواژ اضافه در واقع بازنمون هسته نقشی گروه گزاره اسمی (nP) است. برای مطالعه بیشتر درباره چگونگی اشتقاق نحوی ساخت اضافه در زبان کردی نگاه کنید به کریمی (۲۰۰۷).

۲. نکته قابل ذکر در نمودار (۱) این است که چگونگی ادغام تکواژها، مرحله‌ای از اشتقاق نحوی گروه اسمی را نشان می‌دهد که در آن، هنوز هیچ فرایند جابه‌جایی (حرکت نحوی) صورت نگرفته است. بدیهی است پس از پایان یافتن فرایندهای نحوی، اشتقاق نحوی برای خوانش آوایی به بخش صورت آوایی منتقل می‌شود. در انگاره^۲ ساخت‌واژه توزیعی، چینش آوایی هسته‌های نقشی همچون هسته حرف تعریف که به‌لحاظ ساخت‌واژه مستقل نیستند، توسط قاعده تنزیل (lowering) در صورت آوایی به‌وقوع می‌پیوندد (برای مطالعه بیشتر درباره قواعد دخیل در فرایندهای صورت آوایی، نگاه کنید به Embick and Noyer, 2001:568-573) قدر مسلم این است که قاعده تبدیل آوایی اضافه، درون‌داد قاعده تنزیل است.

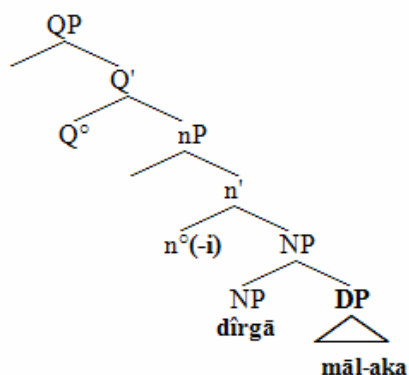


نمودار (۱): تسلط سازه‌ای تکواژ معرفه‌نما بر تکواژ اضافه در ساخت وصفی

فارغ از جزئیات نظری مربوط به اشتقاق ساخت اضافه و جایگاه قرار گرفتن تکواژ اضافه، در این ساخت، تسلط سازه‌ای هسته گروه حرف تعریف بر تکواژ اضافه، اهمیت نظری / تجربی دارد. تکواژ معرفه‌نمای *aka*- در واقع، نمود آوایی هسته گروه حرف تعریف است (برای مطالعه بیشتر درباره قائل شدن به گروه حرف تعریف و فرافکنی آن توسط تکواژ معرفه‌نما نگه کنید به Abney, 1987). حال به اشتقاق نحوی ساخت اضافی (13.a) با وابسته اسمی معرفه توجّه کنید^۱:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. همان‌طور که گفتیم، در ساخت اضافی، دامنه معرفگی به وابسته اسمی محدود است؛ بنابراین، خوانشی که بر هسته اسمی و به دنبال آن بر کل گروه اسمی مترتب است، همچنان نکره یا دست کم نکره مشخص (Specific) است. در نظریه معاشناسی زایشی، گروه‌های اسمی نکره، به سبب خوانش متغیر عنصر نکره، فرافکنی بیشینه گروه کمیت‌نما (Quantifier Phrase) هستند. (نگاه کنید به Heim, 1982; Heim and Kratzer, 1998).



نمودار (۲): عدم تسلط سازه‌ای تکواژ معرفه‌نما بر تکواژ اضافه در ساخت اضافی

در این ساخت می‌بینیم که عنصر معرفه‌نما پیش از وارد شدن به اشتقاق گروه کمیت‌نما، با وابسته اسمی ادغام شده است؛ بنابراین، در این جایگاه، تکواژ معرفه‌نما بر تکواژ اضافه تسلط سازه‌ای ندارد و به همین دلیل، بافت محرک تبدیل آوایی تکواژ اضافه در صورت آوایی مهیا نمی‌شود.

۲.۳. صفت‌های اشاره

بررسی دقیق‌تر گروه‌های اسمی در زبان کردی نشان می‌دهد که تبدیل آوایی تکواژ اضافه اگرچه در بافت تکواژ معرفه‌نمای *-aka* دارای بیشترین بسامد است، به این تکواژ محدود نمی‌شود؛ علاوه بر این تکواژ، تکواژ مستقل *ama* 'این' نیز توانایی ایجاد بافت محرک این تبدیل آوایی را در ساخت اضافه دارد. مثال‌های زیر داده‌های موردنظر ما را نشان می‌دهند:

14. a. am kîteb-a čāka

خوب اضافه-کتاب این

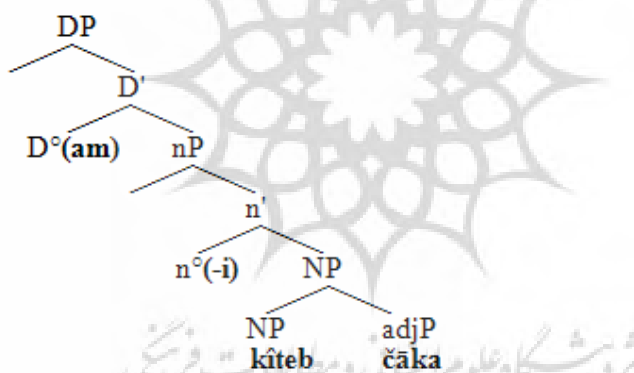
'این کتاب خوب'

b. am māl-a juwān-a kaxaziya

کاغذی اضافه-قشنگ اضافه-خانه این

'این خانه قشنگ کاغذی'

در این مثال‌ها، صفت اشاره *ama* 'این' به‌لحاظ توالی خطی، توزیعی متفاوت با تکواژ معرفه‌نمای *-aka* دارد. به‌لحاظ چینش خطی، معرفه‌نمای *-aka* در جایگاه پایانی ساخت اضافه قرار می‌گیرد؛ در حالی که صفت اشاره *ama* 'این' در جایگاه آغازین ساخت اضافه قرار می‌گیرد؛ بنابراین، توزیع خطی متفاوت معرفه‌نمای *-aka* و صفت اشاره *ama* 'این'، دلیل بر بی‌تأثیر بودن کیفیت خطی تکواژها در تعیین بافت مقیدکننده تبدیل آوایی تکواژ اضافه است. آنچه معرفه‌نمای *-aka* و صفت اشاره *ama* 'این' را در یک طبقه طبیعی قرار می‌دهد، معرفه‌نمایی آنهاست. در نظریه‌های اخیر نحو زایشی، گفته می‌شود که گروه حرف تعریف، فرافکنی هسته‌ای نقشی است که بازنمون آوایی آن، حروف تعریف (در زبانی همچون انگلیسی) یا تکواژ وابسته معرفه‌نما (در زبان‌هایی چون کردی و عربی) است (Abney, 1987). توزیع تکمیلی حروف تعریف / تکواژهای معرفه‌نما با ضمیرهای اشاره‌ای از یک سو و خوانش معرفه این ضمیرها از سوی دیگر، محققان را به سمت این نتیجه‌گیری سوق داده است که ضمیرهای اشاره نیز در جایگاه هسته گروه حرف تعریف، وارد اشتقاق نحوی می‌شوند. با در نظر گرفتن این مفروض‌ها، ساخت نحوی مثال (14.a) بدین صورت خواهد بود:



نمودار (۳): تسلط سازه‌ای صفت اشاره‌ای بر تکواژ اضافه در ساخت اضافه

روشن است که در ساخت نحوی (۳)، صفت اشاره‌ای دارای تسلط سازه‌ای بر تکواژ اضافه است و به همین سبب، بافت لازم برای تبدیل آوایی این تکواژ را فراهم می‌آورد. استدلال ما دراره این موضوع، پیش‌بینی می‌کند که اگر در ساخت اضافه، صفت اشاره‌ای توصیف‌گر وابسته اسمی باشد، شاهد فرایند تبدیل آوایی تکواژ اضافه نخواهیم بود.

15. a. qalam-i am mîndāla

بچه این اضافه-مداد

‘مداد این بچه’

b. * qalam-a am mîndāla

بچه این اضافه-مداد

در مثال‌های (15.a-b)، صفت اشاره‌ای در گروه حرف‌تعریف درونی قرار دارد که خود وابسته اسمی برای هسته اسمی است. در این جایگاه، صفت اشاره‌ای بر تکواژ اضافه تسلط سازه‌ای ندارد و به همین دلیل، تبدیل آوایی اضافه در (15.b) باعث ساقط شدن اشتقاق در صورت آوایی می‌شود.

پیش‌بینی دیگر رویکرد به کار گرفته در این مقاله، تعمیم طبیعی تحلیل یادشده به ساخت‌های اضافه‌ای است که به وسیله صفت اشاره‌ای دور *awa* ‘آن’، خوانش معرفه پیدا می‌کنند. داده‌های زیر درستی این پیش‌بینی را نشان می‌دهند:

16. a. aw kîteb-a čāka

خوب اضافه-کتاب آن

‘آن کتاب خوب’

b. aw māl-a jūwān-a kaxaziya

کاغذی اضافه-قشنگ اضافه-خانه آن

‘آن خانه قشنگ کاغذی’

۳.۳. پرسش واژه بافت وابسته^۱

در ادبیات زایشی، پرسش‌واژه‌ها را زیر عنوان کمیت‌نماهای پرسشی^۲ طبقه‌بندی می‌کنند. کمیت‌نماها به لحاظ توزیع نحوی، رفتاری متفاوت با حروف تعریف از خود نشان می‌دهند؛ بدین شرح که حروف تعریف، مصداق گروه اسمی متمم خود را محدود (معرفه) می‌کنند؛ ولی ارجاع گروه اسمی متمم کمیت‌نماها نامعین است. کمیت‌نماهایی نظیر کجا، چرا، چه، چطور و چه‌موقع، ارجاع مصداقی معینی ندارند؛ با این حال، در میان کمیت‌نماهای پرسشی، کمیت‌نمایی وجود دارد که آثاری از مفهوم معرفگی در آن دیده می‌شود. این کمیت‌نما پرسش‌واژه *kām* 'کدام' است. به این نوع پرسش‌واژه که در بیشتر زبان‌های شناخته‌شده، دارای مصداق است، پرسش‌واژه بافت وابسته می‌گویند (Pesetsky, 1987). هنگام استفهام‌سازی توسط پرسش‌واژه بافت‌وابسته، پاسخی که انتظار می‌رود جایگزین پرسش‌واژه شود، باید از مجموعه اشخاص و یا اشیائی استخراج شود که در فضای (ذهنی / فیزیکی) پیش‌فرض گوینده و شنونده وجود دارند (Pesetsky, 2000: 16). برای درک بهتر این نکته به مثال‌های زیر توجه کنید:

17. A: *čî kîteb-ek akîri?*

می‌خری نکره-کتاب چه

'چه کتابی می‌خری؟'

B: *kāteb-ek ka bargi sur bet*

باشد قرمز جلدش که نکره-کتاب

'کتابی که جلدش قرمز باشد.'

در مثال (17) که به صورت مکالمه بین دو شخص است، استفهام‌سازی توسط پرسش‌واژه *čîkîteb-ek* 'چه کتابی'، پاسخی را می‌طلبد که در آن، کتاب موردنظر لزوماً در فضای ذهنی/فیزیکی پیش‌فرض گوینده و شنونده نیست. اکنون به مثال (18) توجه کنید که در آن، استفهام‌سازی توسط پرسش‌واژه بافت‌وابسته انجام می‌گیرد:

18.A: *kām kîteba akîri?*

1. D(Iscourse)-Linked
2. Interrogative Quantifier

می‌خری کتاب کدام
'کدام کتابی را می‌خری؟'

B: *kāteb-aka-i ka bargi sur-a*

است - قرمز جلدش که اضافه - معرفه - کتاب

'(آن) کتاب که جلدش قرمز است.'

گروه اسمی مورد سؤال (کتاب)، الزاماً در فضای (ذهنی / فیزیکی) پیش‌فرض گوینده و شنونده قرار دارد و پاسخ‌گویی به این پرسش باید شامل کتابی باشد که در مجموعه کتاب‌های پیش‌فرض موجود است؛ بنابراین، پرسش‌واژه بافت‌وابسته، به‌مثابه یک کمیت‌نما در رساندن مفهوم معرفگی، از دیگر کمیت‌نماهای پرسشی متفاوت است؛ به دیگر سخن، پرسش‌واژه بافت‌وابسته دارای مشخصه [+معرفه] است (Pesetsky, 2000: 16). پیش‌بینی نظری دربارهٔ تعامل ساخت اضافه و پرسش‌واژه بافت‌وابسته، این است که در بافتی که ساخت اضافه، متمم پرسش‌واژه بافت‌وابسته واقع شود، تبدیل آوایی تکواژ اضافه باید رخ دهد. داده‌های زیر گواهی بر درستی این پیش‌بینی هستند:

19. a. *kām kîteb-a sura axweni?*

می‌خوانی قرمز اضافه - کتاب کدام

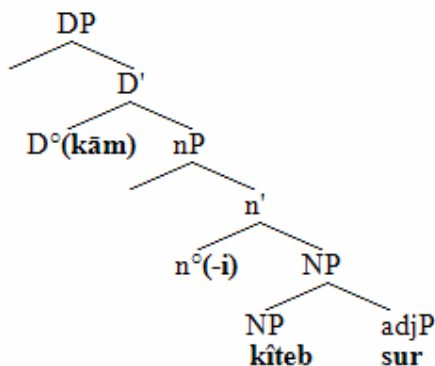
'کدام کتاب قرمز را می‌خوانی؟'

b. *kām māl-a werān-a nāshirin-a kaxazya akāri?*

می‌خری کاغذی اضافه - زشت اضافه - ویران اضافه - خانه کدام

'کدام خانه ویران زشت کاغذی را می‌خری؟'

همان‌گونه که می‌بینیم، در این مثال‌ها، هستهٔ گروه کمیت‌نما که دارای مشخصه [+معرفه] است، بر رخ‌دادهای تکواژ اضافه تسلط سازه‌ای دارد و به همین سبب، موجب تبدیل آوایی این تکواژ می‌شود. نمودار (۴) اشتقاق نحوی گروه کمیت‌نمای بافت‌وابسته را نشان می‌دهد:



نمودار (۴): تسلط سازه‌ای پرسش‌واژه بافت‌وابسته بر تکواژ اضافه

۴.۳. ساخت ملکی

در پایان این مبحث، به ارتباط قاعده تبدیل آوایی اضافه و ساخت ملکی در زبان کردی، گریزی هرچند کوتاه، اما مفید می‌زنیم. همان‌طور که در مثال‌های (4.a,b) دیدیم، در زبان کردی، در ساخت ملکی، گروه اسمی مملوک توسط تکواژ اضافه به گروه اسمی مالک افزوده می‌شود؛ همچنین، در این مثال‌ها، روشن است که تکواژ اضافه دست‌خوش تبدیل آوایی ذکرشده در بحث‌های پیشین نشده است. حال سؤال اساسی این است که در شرایطی که ساخت‌های ملکی به‌طور کلی دارای خوانش معرفگی گسترده‌اند، چرا شاهد تبدیل آوایی تکواژ اضافه نیستیم. نظریه‌پردازان متأخر در حوزه نحو زایشی معتقدند علت خوانش معرفه ساخت ملکی، حرکت هسته گروه ملکی و افزوده شدن آن به هسته گروه حرف‌تعریف است (Bernstein, 2001; Longobardi, 2001, 1994)؛ بنابراین، در زبان کردی، آنچه درباره ساخت ملکی و ارتباط آن با تبدیل آوایی تکواژ اضافه باید لحاظ شود، تعامل هسته گروه ملکی و هسته گروه حرف‌تعریف می‌باشد. یادآوری می‌کنیم در همه ساخت‌های اضافه‌ای که در آنها شاهد عملکرد قاعده تبدیل

آوایی تکواژ اضافه بودیم، هسته گروه حرف تعریف که سبب خوانش معرفگی گروه اسمی می‌شود، دارای بازنمون آوایی (تجلی ساخت‌واژی) بود و چنین استدلال می‌شد که تکواژ اضافه در بافتی که تحت تسلط سازه‌ای تکواژ معرفه‌نما باشد، دست‌خوش تبدیل آوایی (۱۱) می‌شود. بدیهی است که در صورت آوایی زبان، مشخصه‌های آوایی (درپی مرحله درج واژگان)، تنها عناصر قابل تفسیر و به تبع آن تنها مؤلفه‌های دخیل در فرایندهای آوایی‌اند. با در نظر داشتن این ملاحظه‌های نظری، دگرگون نشدن صورت آوایی تکواژ اضافه در ساخت ملکی معرفه، تبیینی طبیعی می‌یابد. در زبان کردی، در ساخت ملکی، هسته‌های ملکی و حرف تعریف دارای نمود آوایی تهی‌اند؛ به همین سبب، این هسته‌های نقشی در صورت آوایی زبان، قابلیت بازنمون ندارند و بالطبع نمی‌توانند بافت محرک تبدیل آوایی تکواژ اضافه را رقم بزنند.

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشیدیم ارتباط ساخت سلسله‌مراتبی نحوی و صورت آوایی زبان را نشان دهیم. بدین منظور تعامل ساخت اضافه و معرفگی را در زبان کردی بررسی کردیم. حوزه تجربی این تحلیل، بافت محرک تبدیل آوایی تکواژ اضافه از i به a بود. با به دست دادن شواهدی از تفاوت دامنه معرفگی در ساخت اضافه، عملکرد صفت‌های اشاره‌ای و تأثیر پرسش‌واژه بافت وابسته در ساخت اضافه، به این نتیجه رسیدیم که بافت مقیدکننده تبدیل آوایی تکواژ اضافه صرفاً برحسب روابط ساختاری عناصر دخیل در این فرایند آوایی، تعریف‌پذیر است. به طور مشخص، استدلال کردیم که اگر تکواژ اضافه تحت تسلط سازه‌ای تکواژی با مشخصه [+ معرفه] باشد، دست‌خوش این گونه تبدیل آوایی می‌شود؛ بنابراین در صورت بندی این قاعده آوایی، چینش خطی تکواژها نقشی ندارد. ضمن پذیرفتن این واقعیت تجربی که فرایندهای واجی رایج در زبان‌ها، به توالی خطی هجاها و تکواژها حساس‌اند، در این مقاله تصریح کردیم که برخی فرایندهای واجی در صورت آوایی، قبل از خطی‌سازی عناصر واژگانی، صرفاً بر ساخت نحوی اعمال می‌شوند.

منابع

- مشکوٰۃالدینی، مهدی. (۱۳۷۴). *ساخت آوایی زبان*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- Abney, Stephen (1987). *The English Noun Phrase in Its Sentential Aspect*. PhD diss. MIT.
- Bernstein, Judy (2001). "The DP Hypothesis: Identifying Clausal Properties in the Nominal Domain". In M. Baltin and C. Collins (eds.), *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*. pp. 536-561. Oxford: Blackwell.
- Chomsky, Noam (1995). *The Minimalist Program*. MIT Press. Cambridge Mass.
- (2001). "Derivation by phase". In Kenstowicz M (Ed.) *Ken Hale: a life in language*. Cambridge, MA: MIT Press. pp 1-52.
- Embick, David and Rolf Noyer (2001). "Movement operations after syntax". *Linguistic Inquiry* 32. pp 555-595.
- Ghomeshi, Jila (1997). "Non-projecting nouns and the ezafe construction in Persian". *Natural language and Linguistic Theory*. 47: 729-788.
- Heim, Irene (1982). *The Semantics of Definite and Indefinite Noun Phrases*. PhD Dissertation. Amherst. University of Massachusetts.
- Heim, Irene and Angelika Kratzer (1998). *Semantics in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.
- Holmberg, Anders and David Odden. (2005). "The noun phrase in hawramani". Paper presented at *First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics*. Liepzig.
- Hornstein, Norbert (1995). *Logical Form: From GB to Minimalism*. Blackwell: Oxford.
- Huang, C.-T. James (1982). *Logical Relations in Chinese and the Theory of Grammar*. PhD diss., MIT.
- Karimi, Yadgar (2007). "Kurdish Ezafe Construction: Implications for DP structure". *Lingua* 117(12):2159-2177.

- Kayne, Richard (1994). *The Antisymmetry of Syntax*. MIT Press, Cambridge Mass.
- Longobardi, Guiseppe (1994). "Reference and Proper Names: a Theory of N-Movement in Syntax and Logical Form. *Linguistic Inquiry* 25: 609-665.
- (2001). "The Structure of DPs: Some Principles, Parameters and Problems. In M. Baltin and C. Collins (eds.), *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*, pp. 562-603. Oxford: Blackwell.
- May, Robert (1985). *Logical Form: Its Structure and Derivation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Moro, Andrea (2000). *Dynamic Antisymmetry*. Cambridge: MIT Press.
- Pesetsky, David (1987). "Wh-in-situ: Movement and unselective binding". in E.J. Reuland and A.G.B. Ter Meulen (eds), *The Representation of (In)definiteness*. MIT Press, Cambridge, Mass. pp.98-129.
- (2000). *Phrasal Movement and Its Kin*. MIT Press, Cambridge Mass.
- Reinhart, Tanya (1979). "Syntactic Domains for Semantic Rules". in F. Guenther and S. J. Schmidt, eds., *Formal Semantics and Pragmatics for Natural Language*, Reidel: Dordrecht.
- Samiian, Vida (1994). "The Ezafe Construction: Some Implications for the Theory of X-Bar syntax" . In M. Marashi (ed.), *Persian studies in North America*. pp.17-41. Iranbooks, Bethesda, Maryland .